



تولدملت آلمان

● حضور آلمانی‌ها به‌عنوان یک ملت در مفهوم نوین، حتی در خود اروپا بسیار با تأخیر انجام شده و فقط ۱۳۵ سال از آن می‌گذرد.
بالین‌همه حضور آلمان همیشه تاریخی و جهانی بوده و در همین مدت کوتاه تأسیس، باعث دو جنگ جهانی شده است. علاوه‌براین، در همین مدت، انبوهی متفکر، دانشمند و موسیقیدان به جهان عرضه داشته که به لحاظ کمی و کیفی اعجاب‌برانگیز است.
کتاب «تاریخ آلمان» تاریخ این کشور را در دوره بین سال‌های ۱۸۷۱ تا ۲۰۰۵ میلادی، در ۹ فصل روایت و بررسی می‌کند. به گفته پیتر سولینگ، نویسنده کتاب، آلمان کشوری «به سن‌وسال یک نوجوان است که ماجراها و رنج‌های دوران بلوغش را پشت‌سر می‌گذارد». نویسنده ناسازگاری بزرگ تاریخ آلمان را میان وحدت و آزادی می‌داند: «ناسازگاری میان وحدت و آزادی حتی پس از سال ۱۹۴۵ نیز- در قالب کشور تقسیم‌شده‌ای که ساکنان آن در شرق بعد از پایان سلطه ناسیونال‌سوسیالیسم، بار دیگر زیر سیطره دیکتاتوری کمونیستی زندگی می‌کردند، همراه ملت آلمان باقی ماند». (ص ۱۷) پیتر سولینگ در سال ۱۹۵۵ در برلین به دنیا آمد و تاریخ و جامعه‌شناسی را در هامبورگ و حقوق عمومی را در مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن تحصیل کرد. با رساله دکتری خود در مورد «رفاه عمومی در رژیم ناسیونال‌سوسیالیست» توجه مردم را به خود جلب کرد و نامش بر سر زبان‌ها افتاد. او روزنامه‌نگار سیاسی و درعین‌حال مجری رادیو و تلویزیون در رادیوی جنوب آلمان بوده و در ضمن فعالیت در رادیو، کتاب خاطرات روزانه گوبلز را منتشر کرد که انعکاسی بین‌المللی یافت و همچنین مصاحبه جنجالی‌رانگیزی با ارنست نوتنه، مفسر حزب ناسیونال‌سوسیالیست، برای اسپیکل انجام داد. پیتر سولینگ امروزه به نوشتن و روزنامه‌نگاری اشتغال دارد و در هامبورگ زندگی می‌کند.

زمینه‌های شکل‌گیری امپراتوری آلمان، نقش آلمان در جنگ جهانی اول، انقلاب آلمان، جمهوری وایمار، آلمان نازی و فاجعه جهانی فاشیسم، تقسیم آلمان و اتحاد دوباره دو آلمان مهم‌ترین وقایع تاریخی هستند که در کتاب بررسی می‌شوند. چند فصل اول کتاب به مرور وقایع منجر به وحدت آلمان و شکل‌گیری امپراتوری آلمان را تشریح می‌کند. در ژانویه ۱۸۶۱ ویلهلم یکم درحالی‌که از سال ۱۸۵۸ زمام امور کشورش را در دست داشت پادشاه پروس شد. او در سال ۱۸۶۲ اتو فون بیسمارک را به‌عنوان نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه پروس انتخاب کرد. بعد از پیروزی چشمگیر در جنگ فرانسه- پروس، ویلهلم در سال ۱۸۷۱، در ورسای فرانسه، به‌عنوان امپراتور تاجگذاری کرد و بیسمارک هم ازاین‌رو، به‌عنوان اولین صدراعظم تاریخ آلمان شناخته شد. بنابراین کشوری فدرالی به نام امپراتوری آلمان به وجود آمد. بیسمارک از دشمنان قسم‌خورده سوسیالیست‌ها بود و ویلهلم لیبنکشت سوسیالیست، اعلامیه ورسای را همچون یک نمایش مورد تمسخر قرار داد و خواهان ممانعت از اجرای آن در فضای پلیسی برلین شد. در حفاصل سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۷ بیسمارک هم‌را با سرکوب جنبش کارگری سیاست توسعه اقتصادی و نظامی را در پیش گرفت. پس از مرگ ویلهلم اول و سرکارآمدن ویلهلم دوم بین او و بیسمارک اختلاف به وجود آمد و او نهایتاً از قدرت کناره‌گیری کرد.

تأسیس امپراتوری آلمان برای دیگر کشورهای اروپایی نمی‌توانست امر بی‌اهمیتی باشد. تمرکز قدرت در مرکز آلمان آن‌هم با اتکا به یک اقتصاد قوی و یک نیروی نظامی قدرتمند که متکی به جمعیتی روزافزون بود موجب نگرانی دیگر همسایگان می‌شد. شکست آلمان در جنگ جهانی اول، قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی آلمان را به‌شدت تنزل داد و به استعفا ویلهلم دوم، تحمیل معاهده ورسای به آلمان و روی‌کارآمدن جمهوری وایمار منجر شد. وضعیت اقتصادی آلمان پس از جنگ جهانی اول بسیار وخیم شد و نرخ تورم بسیار بالا رفت. انقلاب آلمان در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ منجر به سرنگونی قیصر و تأسیس جمهوری وایمار شد. شورش از نوامبر ۱۹۱۸ با اعتراض ملوانان و کارگران آغاز شد و پس از چند روز شورش‌های کارگران و سربازان اکثریت غرب آلمان را تسخیر کردند و پایه‌های «جمهوری شورایی» را بنا نهادند. جمهوری وایمار به نظام حکومتی آلمان طی سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ میلادی اطلاق می‌شود. جمهوری وایمار اصطلاحی است که برای دوره تاریخی میان پایان جنگ جهانی اول تا روی‌کارآمدن حکومت نازی‌ها در آلمان استفاده می‌شود. در ۱۹۳۳ جمهوری وایمار سقوط کرد. آلمان نازی با حمله به لهستان در اوت ۱۹۳۹، جنگ جهانی دوم را آغاز کرد که با شکست آلمان و متحدانش در ۱۹۴۵ پایان یافت. در می ۱۹۴۵ با ورود نیروهای متفقین به برلین، جنگ جهانی دوم در اروپا پایان یافت و آتشیس از جنگ، آلمان را میان خود تقسیم کردند. حوادث بعد از جنگ جهانی دوم نظیر معجزه اقتصادی و بحران برلین، شورش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰، اپوزیسیون غیرآلمانی و وحدت دوباره دو آلمان در ۱۹۸۹ وقایعی است که در فصل‌های پایانی کتاب بررسی می‌شوند.

تاریخ آلمان

از ۱۹۱۷ تا ۲۰۰۵

پیتر سولینگ

حبیب‌الله جوربندی

ناشر: اختران

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

تاریخ آلمان

از ۱۹۱۷ تا ۲۰۰۵

پیتر سولینگ

حبیب‌الله جوربندی

ناشر: اختران

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان



گروه اندیشه: مخاطب آثار اریک هابزبام فقط محققان، مورخان و دانشگاهیان نیستند. هر که به دنبال درک جهان است و تاریخ را در این مسیر راهگشا می‌داند، مخاطب اوست. آثار او نه برای مورخان دیگر که برای افراد نامتخصص نوشته شده‌اند. اغلب آثارش فقط محدود به شرح و روایت مبسوط وقایع نیست و به کار کسانی نمی‌آید که خواهان اطلاعات بیشتری درباره یک دوره خاص آثار مارکس و انگلس خود را مورخی مارکسیست می‌نامید و بر این باور بود که بدون مارکس در او هیچ علاقه خاصی به تاریخ پرورش نمی‌یافت. هابزبام تا آخر عمرش «برداشت ماتریالیستی از تاریخ» مارکس را بهترین راهنما برای تاریخ می‌دانست. اگرچه عضو حزب کمونیست بود ویراستار انگلیسی مجموعه آثار مارکس و انگلس بود، هم مقامات شوروی از ترجمه آثار او به روسی سر باز زدند، و هم ناشران معتبر فرانسوی از ترجمه برخی از آثار مهم او. آثار هابزبام طبق معیارهای ارتدوکس جزو متون مارکسیستی محسوب نمی‌شدند. یکی از مهم‌ترین آثار هابزبام مجموعه‌ای چهار جلدی است که تاریخ اروپا را از قرن هجدهم تا اواخر قرن بیستم روایت می‌کند، از انقلاب فرانسه تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛ عصر انقلاب (۱۸۴۸–۱۷۸۹)، عصر سرمایه (۱۸۴۸–۱۸۷۵)، عصر امپراطوری (۱۸۷۵–۱۹۱۴) و عصر نهایی‌ها (۱۹۱۱–۱۹۱۴). در سه مجلد اول، جهان طی دگرگونی‌های انقلابی اواخر قرن هجدهم و قرن نوزدهم روایت می‌شود. هر چهار مجلد در سال‌های گذشته به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند. به تازگی به همت نشر اختران ویراست جدید ترجمه فارسی مجلد دوم منتشر شده است. پیش‌تر چاپ نخست «عصر سرمایه» را انتشارات «ما» با ترجمه علی‌اکبر مهدیان در سال ۱۳۷۴ منتشر کرده بود. در آن سال نام نویسنده «اِ.ج. هوبزباوم» ثبت شده بود.

مجلد دوم این مجموعه به تاریخ جهان مدرن از انقلاب ۱۸۴۸ تا اواخر قرن نوزدهم می‌پردازد. دوره‌ای که این کتاب روایت می‌کند نسبتاً کوتاه ولی دامنه جغرافیایی آن پهناور است. درواقع این‌ کتاب ربع سوم «قرن طولانی نوزدهم» را روایت می‌کند که در ادامه کتاب «عصر انقلاب» است. انقلاب‌های ۱۸۴۸، توسعه اقتصاد سرمایه‌داری به سراسر کره زمین، ظهور آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد صنعتی جهان، جنبه‌هایی از تحلیل کلی هابزبام در این کتاب است. بررسی هابزبام در کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود. انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ مقدمه بخش دوم یعنی تحولات عمده دوره‌ای است که در این کتاب روایت می‌شود. این بخش‌ها را هم از منظر قاره اروپا و هم ه‌رجا لازم است از منظر جهانی بررسی می‌کند، البته نه به‌عنوان یک سلسله تاریخ مستقل است. بررسی هابزبام در کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود. انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ مقدمه بخش دوم یعنی تحولات عمده دوره‌ای است که در این کتاب روایت می‌شود. این بخش‌ها را هم از منظر قاره اروپا و هم ه‌رجا لازم است از منظر جهانی بررسی می‌کند، البته نه به‌عنوان یک سلسله‌تاریخ مستقل است. بررسی هابزبام در کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود. انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ مقدمه بخش دوم یعنی تحولات عمده دوره‌ای است که در این کتاب روایت می‌شود. این بخش‌ها را هم از منظر قاره اروپا و هم ه‌رجا لازم است از منظر جهانی بررسی می‌کند، البته نه به‌عنوان یک سلسله‌تاریخ مستقل است.

مجلد دوم این مجموعه به تاریخ جهان مدرن از انقلاب ۱۸۴۸ تا اواخر قرن نوزدهم می‌پردازد. دوره‌ای که این کتاب روایت می‌کند نسبتاً کوتاه ولی دامنه جغرافیایی آن پهناور است. درواقع این‌ کتاب ربع سوم «قرن طولانی نوزدهم» را روایت می‌کند که در ادامه کتاب «عصر انقلاب» است. انقلاب‌های ۱۸۴۸، توسعه اقتصاد سرمایه‌داری به سراسر کره زمین، ظهور آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد صنعتی جهان، جنبه‌هایی از تحلیل کلی هابزبام در این کتاب است. بررسی هابزبام در کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود. انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ مقدمه بخش دوم یعنی تحولات عمده دوره‌ای است که در این کتاب روایت می‌شود. این بخش‌ها را هم از منظر قاره اروپا و هم ه‌رجا لازم است از منظر جهانی بررسی می‌کند، البته نه به‌عنوان یک سلسله تاریخ مستقل است. بررسی هابزبام در کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود. انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ مقدمه بخش دوم یعنی تحولات عمده دوره‌ای است که در این کتاب روایت می‌شود. این بخش‌ها را هم از منظر قاره اروپا و هم ه‌رجا لازم است از منظر جهانی بررسی می‌کند، البته نه به‌عنوان یک سلسله تاریخ مستقل است.

عصری که هابزبام در این کتاب روایت می‌کند عصر طبقه بورژوا بوده و ناگزیر طبقات دیگر را در رابطه با طبقه بورژوا خوانده است. اگرچه او می‌نویسد که «مولف این کتاب نمی‌تواند بی‌زاری و شاید احتقار خود را در مورد عصری که در کتاب مطرح است پنهان سازد، نمی‌توان او را به برخورد نامضفانه با بورژوازی عصر ویکتوریا و پیروزی آن متهم کرد. او می‌نویسد «ستایش دساتوردهای مادی عظیم این عصر و تلاش برای درک حتی چیزهایی که مورد پسند او نیست از این بی‌زاری می‌کاهد» و اضافه می‌کند: «پیروزی طبقه بورژوا در عصر سرمایه نه‌فقط اصل سازمان‌دهنده کتاب حاضر است بلکه طبقه بورژواست که تا حد زیادی از همدان‌ترین برخورد در این کتاب برخوردار می‌شود».



گزارشی از «عصر سرمایه» هابزبام به بهانه انتشار ویراست جدید

سر آغاز تاریخ جهان

آغاز عصر سرمایه

این کتاب درباره تاریخ پیدایش سرمایه‌داری است. در دهه ۱۸۶۰ بود که واژه «سرمایه‌داری» وارد فرهنگ اصطلاحات اقتصادی و سیاسی جهان شد، و در همین سال‌ها بود که کتاب «سرمایه» کارل مارکس، سرسخت‌ترین منتقد سرمایه‌داری، منتشر شد. البته منشأ این واژه شاید به قبل از ۱۸۴۸ بازگردد، ولی پژوهش‌های مفصلی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهد واژه «سرمایه‌داری» قبل از سال ۱۸۴۹ ندرتا به کار می‌رفت و تا دهه ۱۸۶۰ چندان رواج نداشت. به‌هرترتیب، مضمون اصلی تاریخ در دهه‌های بعد از ۱۸۴۸ پیروزی جهانی سرمایه‌داری و تسری اقتصاد سرمایه‌داری به کل جهان بود. هابزبام این پیروزی را پیروزی جامعه‌ای می‌داند که «اعتقاد داشت رشد اقتصادی مبتنی است بر فعالیت خصوصی رقابتی، موفقیت در خرید همه‌چیز (ازجمله کار) در ارزان‌ترین بازار و فروش در گران‌ترین بازار». تصور می‌شد اقتصادی که بر بنیان‌های مطمئن طبقه‌ای بورژوا بنا شود، و استمرار یابد منجر به خلق جهانی می‌شود که نه‌فقط جهان وفور نعمت مادی با توزیع مناسب است، بلکه جهان روشنگری و عقل است و با فرصت‌های انسانی، پیشرفت علوم و هنر همراه خواهد بود.

به روایت هابزبام، در این عصر موانع اندک موجود بر سر راه توسعه بی‌قیدوشرط فعالیت‌های خصوصی از میان برداشته شدند. نهادهای جهان نیز به تدریج به الگوی بین‌المللی «ملت- دولت» قلمرومحور نزدیک می‌شدند، الگویی که قانون اساسی‌اش ضامن حقوق مالکیت و حقوق مدنی و نظم اجتماعی بورژوازی بود. هابزبام بارزترین جنبه این دوره را اقتصادی و فنی می‌داند: «ریختن میلیون‌ها تن در جهان، نوارهای مارپیچ راه‌آهن در سراسر قاره‌ها، کابل‌های زیردریایی از این سوی اقیانوس اطلس به آن سو، ساخت کانال سوئز، ظهور شهرهای بزرگ مانند شیکاگو از خاک بکر غرب میانه آمریکا، جریان‌های عظیم مهاجران».

او این عصر را «عصر بورژوازی ظفرمند» می‌نامد. هابزبام این عصر را عصر پیروزی لیبرال می‌داند که جهان پس از آن از هر حیث تغییر کرد. این عصر از نظر اقتصادی به سرعت کسب‌وکارهای خصوصی و رقابتی نامحدود را گسترش داد و باعث شد حکومت‌ها از دخالت در اصول تجارت آزاد خودداری و در سایر شئون زندگی افراد بیشتر مداخله کنند. او چهار عامل را در دگرگونی اقتصاد سرمایه‌داری علامت می‌گذارد. ۱) ظهور تکنولوژی‌هایی جدید که فراتر از اختراعات و روش‌های انقلاب صنعتی اول بودند: منابع جدید نیرو (برق و نفت، توربین و موتور دیزل)، ماشین‌آلات تاریخی، این دوره‌ها عبارتند از: دهه آرام ولی توسعه‌طلبانه ۱۸۵۰، دهه متلاطم‌تر ۱۸۶۰، دهه رونق و رکود ۱۸۷۰. بخش سوم کتاب نیز شامل سلسله‌مقاظعی از اقتصاد، جامعه و فرهنگ این دوره است. هابزبام در این کتاب درباره جهان برحسب اروپا و مشخصاً بریتانیا و فرانسه، می‌نویسد. او تأکید دارد نوشتن تاریخ اروپایی محض ممکن نیست و نوشتن درباره این دوره بدون توجه به سایر قاره‌ها بهیوده خواهد بود. مع‌الوصف، در کتاب حاضر اروپا بیش از حد مرکزیت دارد. ازاین‌رو، تاریخ دوره مورد بررسی هابزبام در این کتاب ظاهراً نامتعادل است.

عصری که هابزبام در این کتاب روایت می‌کند عصر طبقه بورژوا بوده و ناگزیر طبقات دیگر را در رابطه با طبقه بورژوا خوانده است. اگرچه او می‌نویسد که «مولف این کتاب نمی‌تواند بی‌زاری و شاید احتقار خود را در مورد عصری که در کتاب مطرح است پنهان سازد، نمی‌توان او را به برخورد نامضفانه با بورژوازی عصر ویکتوریا و پیروزی آن متهم کرد. او می‌نویسد «ستایش دساتوردهای مادی عظیم این عصر و تلاش برای درک حتی چیزهایی که مورد پسند او نیست از این بی‌زاری می‌کاهد» و اضافه می‌کند: «پیروزی طبقه بورژوا در عصر سرمایه نه‌فقط اصل سازمان‌دهنده کتاب حاضر است بلکه طبقه بورژواست که تا حد زیادی از همدان‌ترین برخورد در این کتاب برخوردار می‌شود».

تاریخ

«جمهوری موزفروش»‌ها وارد ادبیات سیاسی شد. اصطلاح «جمهوری موزفروش» (banana republic) به کشورهایی اشاره دارد که اقتصادشان به صادرات محصولاتی محدود، مانند موز، متکی است. در مقیاس جهانی این دوگانگی میان نواحی توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته شکل تازه‌ای به خود گرفت و سرنوشت قرن بیستم را رقم زد. ناگفته پیداست هابزبام در این کتاب خصلت خارق‌العاده دوره‌ای را آشکار می‌کند که در تاریخ نظیر ندارد، خصلتی منحصربه‌فرد که این دوره عجیب و غریب را برای آینده بشر ساخت و آثارش تا به امروز به جا مانده است. در این عصر سرمایه‌داری صنعتی به یک اقتصاد جهانی واقعی بدل شد و کره زمین از یک تعبیر جغرافیایی به یک اقتصاد جهانی واقعیت عملی مستمر دگرگون شد و به گفته هابزبام «تاریخ از این پس تاریخ جهان شد».

هابزبام در این کتاب قصد ندارد تحول پیشین این جامعه را دریایی و روایت کند. البته اشاره دارد که این جامعه راه تاریخی خود را هم در جبهه اقتصادی و هم در جبهه سیاسی و عقیدتی از شصت سال قبل از ۱۸۴۸ گشوده بود. او سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸ را زیر سیطره انقلابی دوگانه می‌داند: انقلاب صنعتی به رهبری بریتانیا و انقلاب سیاسی به رهبری فرانسه که هر دو انقلاب عمدتاً محدود به بریتانیا و فرانسه بودند. در نظر او هر دو انقلاب به معنای پیروزی جامعه‌ای نوین بود. او معتقد است دوگانگی انقلاب ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸ به تاریخ آن دوره هم وحدت می‌بخشد و هم توازن. با انقلاب ۱۸۴۸، که نقطه شروع روایت هابزبام در این کتاب است، توازن قبلی در هم ریخت و شکل عوض شد. انقلاب سیاسی عقب نشست و انقلاب صنعتی پیش رفت. او ۱۸۴۸ معروف به بهار خلق‌ها (موضوع فصل اول کتاب) را اولین و آخرین انقلاب اروپایی به‌معنای انقربیا حقیقی کلمه می‌داند که نتایج خارق‌العاده‌ای داشت: «تحقق زودگذر رویاهای چپ، کابوس‌های راست، برافتادن تقریباً همزمان رژیم‌های کهن در قسمت عمده اروپای قاره‌ای در غرب امپراطوری‌های روسیه و ترکیه، از کپنهاگ تا پالمرو، از براسوف تا بارسلونا». او این نتایج را اوج و حاصل منطقی عصر انقلاب دوگانه می‌داند. البته این انقلاب خیلی زود در همه جا شکست خورد.

او معتقد است از آن پس هیچ انقلاب احتمالی عمومی از آن نوع که قبل از ۱۸۴۸ تصور می‌شد در کشورهای پیشرفته جهان رخ نداد. اگرچه تأکید داشت انقلاب ۱۸۴۸ دیگری در پیش نبود، کمون پاریس را در سال ۱۸۷۱ استننا می‌داند. البته کمون پاریس را مثل عمده تاریخ انقلابی دوره‌ای که بررسی می‌کند نه از حیث دستاورد که از حیث آنچه پیش‌بینی می‌کرد مهم می‌داند. در واقع هییت کمون پاریس را بیشتر در مقام نماد می‌بیند تا واقعیت. او معتقد است «کمون اگرچه نظام بورژوازی را جدأ به خطر نینکند، صرف وجودش زهره آن نظام را آب کرد». چنانکه هابزبام می‌گوید، توسعه ناکهانی و عظیم و نامحدود اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بدیل‌هایی سیاسی در کشورهای پیشرفته فراهم کرد و باعث شد انقلاب صنعتی بریتانیا انقلاب سیاسی فرانسه را ببлед.

به روایت هابزبام، پیروزی بورژوازی کوتاه و بی‌دوام بود و نشان می‌دهد درست در لحظه‌ای که این پیروزی کامل به نظر می‌رسید بر از شکاف از آب درآمد. اگر در اوایل دهه ۱۸۷۰ توسعه اقتصادی و لیبرالیسم یکه‌تازی می‌کرد، در پایان این دهه دیگر چنین نبود. این نقطه عطف نشانه پایان عصری است که کتاب حاضر بدان می‌پردازد. هابزبام معتقد است عصر پیروزی لیبرال با انقلابی شکست‌خورده آغاز شد و با رکودی طولانی پایان یافت. البته او اولی را برای مشخص‌کردن آغاز یا پایان یک دوره تاریخی بورژوازی می‌داند. او نشان می‌دهد که اعتمادبه‌نفس بورژوازی فاتح رفته‌رفته کم شد و در اواخر این دوره به‌وضوح کمتر از قبل بود.

در دهه ۱۸۷۰ محدودیت تکنولوژی‌هایی که اشاره شد، آشکار گشت. همین که جهان به دهه ۱۸۷۰ رسید، در پی رونق‌هایی نجومی چند دهه‌هایی سخت



یک کودک کار در کارخانه نخ‌بافی، نیویورک، کارولینای جنوبی، ۱۹۰۸



راه‌های نوسازی

● تحول جوامع سنتی کشاورزی به جوامع مدرن صنعتی از مهم‌ترین دگرگونی‌های جوامع بشری در طول سه، چهار قرن اخیر بوده است. برخی با سلامت نسبی از این تحول گذشته‌اند و برخی با درجات متفاوت در نیل به آن فرومانده‌اند. اثر کلاسیک برینگتن مور، «ریشه‌های اجتماعی دموکراسی و دیکتاتوری (نقش ارباب و دهقان در روند نوین‌سازی)» از جمله آثاری است که این روند را در نقاط مختلف جهان توضیح می‌دهد و از مهم‌ترین کتاب‌های تحلیلی جامعه‌شناسی سیاسی در چند دهه اخیر است که به‌عنوان یکی از متون درسی اصلی در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا تدریس می‌شود. این کتاب با دو ترجمه حسین بشیریه (۱۳۷۶)، مرکز نشر دانشگاهی) و یوسف نراقی (۱۳۸۲، انتشارات فرزان روز) به فارسی منتشر و اخیراً تجدیدچاپ شده است. برینگتن مور، جامعه‌شناس مشهور آمریکایی، در این کتاب با بررسی تطبیقی شش کشور بزرگ نشان می‌دهد، که انقلاب‌های بورژوازی (بریتانیا، فرانسه، آمریکا، ارتجاعی/ فاشیستی (آلمان و ژاپن قبل از جنگ دوم)، وهقنایی/ کارگری (رژیم‌های کمونیستی) چگونه شکل گرفته‌اند و نقش وضعیت و طبقات اجتماعی در آنها چه بوده است. هدف نگارنده کتاب تبیین نقش‌های سیاسی متعددی است که طبقات بالای زمین‌دار و جامعه دهقانی در گذار از جوامع مبتنی‌بر کشاورزی به جوامع صنعتی مدرن ایفا کرده‌اند.

کتاب ریشه‌های اجتماعی دموکراسی و دیکتاتوری تحقیقی است جامع در تحلیل شرایط و رخدادهای تاریخی و چگونگی تأثیر آنها بر چگونگی مناسبات میان طبقات بالا و پایین. تحلیل مور تحلیلی جامعه‌شناختی و تطبیقی است و سعی کرده ضمن تحلیل مناسبات میان دربار (سلطنت)، اشراف، طبقه بورژوازی و طبقه دهقان به ترسیم سه مسیر عمده در حرکت به سمت نوگرایی بپردازد. در بخش اول تحت عنوان «ریشه‌های انقلابی دموکراسی سرمایه‌دارانه» نویسنده به کندوکاو در مسیرهایی می‌پردازد که طی یک انقلاب بورژوازی در سه کشور انگلستان، فرانسه و آمریکا این سه کشور شاهد دستیابی به یک دموکراسی پارلمانی بودند. در فصل اول، مور تاریخ و شرایط انگلستان را از قرن چهاردهم، انحطاط فئودالیسم و جایگزینی استبداد سلطنتی رهگیری می‌کند. آنچه در مورد انگلستان بیش از هر چیز نظر نویسنده را به خود جلب می‌کند، عوامل و خردادهایی است مثل تجارت پشم، آغاز جنگ داخلی و آغاز جنبش حصارکشی در قرن شانزدهم که همگی زمینه‌ساز ورود انگلستان به سرمایه‌داری و انقلاب شدند.

فصل دوم به نوسازی و انقلاب در فرانسه اختصاص دارد و با این تفاوت اساسی نسبت به انگلستان که در اینجا نجیب‌زادگان فرانسوی نه در استقلال نسبت به دربار که در وابستگی به آن و از طریق بهره‌کشی از دهقانان در دوران سلطنت بوربون‌ها و نیز وابستگی آنها نسبت به زمین، راه را برای نفوذ سرمایه‌داری در جامعه دهقانی هموار کردند. فصل سوم به بحث نوسازی در آمریکا اختصاص دارد؛ کشوری که نه شاهد دیوان‌سالاری از نوع شرقی بود و نه فئودالیسم اروپایی. نه خبری از اشراف و دربار بود و نه طبقه کارگر و دهقان چنان‌که در اروپا شاهد آن بودیم. اما آمریکا دو قیام بزرگ مسلحانه به خود دید که به‌شدت بر روند نوسازی در آن کشور تأثیر گذاشته است؛ یکی انقلاب آمریکا و دیگری جنگ‌های داخلی. بخش دوم کتاب تحت عنوان «سه مسیر نوسازی در آسیا» به تمحیل به روند نوسازی در سه کشور هند، چین و ژاپن می‌پردازد. در فصل چهارم مسیر انقلاب از پایین در چین و چگونگی منتهی‌شدن آن به کمونیسم بررسی می‌شود. نویسنده از خلاا تبیین موارد پیش‌رو مسیر چینی گذار به نوگرایی را بررسی می‌کند. فصل پنجم به ترسیم انقلاب محافظه‌کارانه از بالا تحت لوای نوعی سرمایه‌داری ارتجاعی می‌پردازد که در نهایت منجر به بروز فاشیسم آسیایی در ژاپن شد. فصل ششم توصیف تلاش هند است برای رسیدن سطح‌آمیز به دوران نوین که چندان به موفقیت نمی‌انجامد. در فصل هفتم نویسنده به جمع‌بندی مطالب خود پرداخته و سرمایه‌داری دموکراتیک را حاصل بروز و ظهور یک طبقه شهرنشین و بورژوازی نیرومند، تجاری‌شدن کشاورزی و تاجریشیشه‌شدن اشراف و زمین‌داران، جلوگیری از پیدایش دربار پکه‌تاز و اشراف زمین‌دار و نیز ممانعت از اتحاد اشراف و طبقه بورژوازی علیه دهقانان و کارگران می‌داند. فصل هشتم شرح و بسط کوتاهی است از نمونه حکومت‌های مرتجع و واپس‌گرایانه در آلمان (بیسمارک و هیتلر)، ایتالیا (دوران زمامداری کاور و موسسینلی)، ژاپن (امپراتوری میجی) و روسیه و انگلستان. در فصل نهم نویسنده در پی شناسایی علت بروز انقلاب‌ها و شورش‌های دهقانی است. از نظر او وضعیت اقتصادی گرفته تا مذهب و به‌هم‌ریختن ساختار جامعه روستایی، دربار مستبد و نیز قطع ارتباط میان زمین‌دار و جامعه دهقانی سبب آغاز شورش‌های دهقانی شد. کتاب با مؤخرهای به پایان می‌رسد که در آن مور درصدد روشن‌کردن ارتباط میان اندیشه و جنبش‌های اجتماعی در تاریخ چند قرن گذشته در اقصری نقاط جهان است.

ریشه‌های اجتماعی دموکراسی ودیکتاتوری

یوسف نراقی

۱۳۸۲

ریشه‌های اجتماعی دموکراسی ودیکتاتوری

یوسف نراقی

۱۳۸۲

یک کودک کار در کارخانه نخ‌بافی، نیویورک، کارولینای جنوبی، ۱۹۰۸